

بررسی اندازه‌گیری در حسابداری اسلامی، با تأکید بر مبانی فقهی

ساسان مهرانی^{۱*}، علیرضا رام‌روز^۲

چکیده

با وجود گسترش اقتصاد و بانکداری اسلامی، حسابداری اسلامی همگام با نیازهای این حوزه رشد نکرده است. زیرا از یک‌سو، چالش‌های حسابداری اسلامی در استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی پوشش داده نشده‌اند، و از سوی دیگر استانداردهای حسابداری اسلامی تدوین شده توسط نهادهای متصدی این حوزه، به طور خاص سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی، مورد پذیرش جهانی واقع نشده‌اند. از جمله چالش‌های حسابداری اسلامی نحوه اندازه‌گیری در حسابداری اسلامی است. با توجه به بین‌رشته‌ای بودن موضوع و به دلیل نبود ادبیات کافی روش پژوهش آمیخته اکتشافی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر این اساس، بخش کیفی پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به‌عنوان روشی متقن در علوم اسلامی، به بررسی و ارائه پاسخ فقهی مناسب می‌پردازد. بخش دوم پژوهش به اخذ نظرات خبرگان حسابداری می‌پردازد و روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه به انجام می‌رسد. نتایج نشان می‌دهد استفاده از ارزش منصفانه در مورد عقود مشارکتی و سایر موارد مقتضی الزامی است. نتایج یادشده از منظر فقهی و خبرگان حسابداری تأیید شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: حسابداری اسلامی، اندازه‌گیری، ارزش متعارف.

۱. دانشیار حسابداری دانشگاه تهران

۲. دکتری حسابداری دانشگاه تهران، پردیس بین‌المللی کیش

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۱/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۱۲/۶

*نویسنده مسئول: ساسان مهرانی

smehrani@ut.ac.ir

مقدمه

پرداخت زکات و ممنوعیت ربا از جمله راهکارهای اسلام برای برقراری عدالت اقتصادی، محسوب می‌شوند. دین مبین اسلام در راستای برقراری عدالت و مساوات هر چه بیش‌تر در حوزه اقتصادی بهره را منع و روش‌ها و عقود را جهت تأمین مالی پاک و عاری از ربا و تسهیل امور اقتصادی اسلامی در جوامع وضع نموده است. وجود رهنمودهای مذکور باعث تفاوت معاملات و مالی اسلامی و حسابداری مورد نیاز آن‌ها نسبت به حسابداری مرسوم است. اقتصاد اسلامی در هزاره جدید به سرعت اشاعه یافته است و درحالی‌که بسیاری از بانک‌های غربی همچنان از تأثیرات منفی بحران وام‌های بی‌پشتوانه سال ۲۰۰۷ و بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ زیان می‌بینند، بانک‌های اسلامی از شکست‌های بعدی مصون بوده‌اند (اختر عزیز، ۲۰۱۱). از سوی دیگر، حوزه مرکز بازارهای نوظهور، دارایی‌های بانک‌های اسلامی در سال ۲۰۱۳ بالغ بر ۱/۷ تریلیون دلار آمریکا و رشد سالیانه آن ۱۷/۶٪ بوده است (مرکز بازارهای نوظهور، ۲۰۱۴). نیاز به گزارشگری نهادهای مالی اسلامی از آنجا نشأت گرفته است که نهادهای مالی اسلامی در اجرای استانداردهای حسابداری موجود از قبیل استانداردهای مالی گزارشگری بین‌المللی به مشکل برخوردند. از این‌رو، به لحاظ اهمیت و ضرورت موضوع، پژوهش‌های گسترده‌ای در این عرصه توسط دانشگاه‌ها و سازمان‌های اسلامی انجام شد و در نتیجه این تحقیقات و در راستای تحقق اهداف اسلامی، سازمان‌هایی با هدف تهیه و تدوین استانداردهای حسابداری مربوط به فعالیت نهادهای مالی اسلامی تأسیس گردیدند. مهم‌ترین مورد، سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی است که تاکنون ۲۶ استاندارد در زمینه حسابداری اسلامی تدوین نموده است. این سازمان با استناد به لزوم استفاده از ارزش متعارف در محاسبه زکات (استاندارد حسابداری مالی شماره ۹)، در استانداردهای حسابداری مالی ۳ (عقد مضاربه) و ۴ (عقد مشارکت)، اندازه‌گیری اولیه و اندازه‌گیری‌های بعدی سرمایه دو عقد مشارکتی دارای استاندارد را به ارزش منصفانه الزامی نموده است. در همین زمینه، هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی نیز در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۵ طی دو نشست با نهادهای دست‌اندرکار حسابداری اسلامی، اجرای استاندارد گزارشگری مالی شماره ۹ (ابزارهای مالی) در مورد عقود مشارکتی را مورد بررسی قرار داد.

اندازه‌گیری در حسابداری اسلامی و به طور خاص عقود مشارکتی موضوعی است که باید از هر دو منظر فقهی و حسابداری مورد بررسی قرار گیرد. به دلیل بین‌رشته‌ای بودن موضوع و عدم وجود ادبیات کافی روش پژوهش آمیخته اکتشافی مورد استفاده قرار می‌گیرد، و موضوع از هر دو منظر فقهی و حسابداری مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین، پرسش‌های اصلی پژوهش به صورت زیر قابل طرح هستند:

۱. خاصه اندازه‌گیری مناسب در حسابداری اسلامی کدام است؟
۲. مبانی فقهی استفاده از ارزش متعارف و یا بهای تمام شده تاریخی در حسابداری اسلامی چیست؟

ادبیات نظری

شاید واژه‌های نوین، روبه رشد، و متغیر، برای توصیف گسترش ادبیات انگلیسی در زمینه حفظ چارچوب اسلامی در حسابداری مناسب باشند، اما ادبیات عربی این حوزه دارای رشد و دامنه‌ای محدود بوده‌اند. ادبیات حسابداری اسلامی از نظر رویه‌ها و دامنه حوزه ادبیات اقتصاد و مالیه اسلامی، اقتباس شده است و همچنان با تأکید بر بانکداری اسلامی از ادبیات سه حوزه مذکور پیروی می‌نماید. به تأکید بانکداری اسلامی بر حرمت ربا نشأت می‌گیرد. نتایج تحقیقات صورت گرفته در چهار دهه اخیر یعنی ظهور بانکداری اسلامی مدرن، بیانگر اقبالی محققان به روش‌های اسلامی برای انجام کسب و کار، مفاهیم اسلامی اقتصاد و به طور خاص مبانی رویه‌های عملیات مالیه اسلامی است (الجدیبی، ۲۰۱۴).

ادبیات حسابداری اسلامی به دودسته ادبیات مدرن و غیرمدرن قابل تقسیم هستند. بخش ادبیات غیر مدرن شامل ادبیات فقه معاملات است. نگارش ادبیات غیرمدرن از زمان پیامبر اعظم (ص) آغاز و تاکنون در کشورهای مختلف ادامه داشته است. محققان دینی مسائل مختلف مربوط به رویه‌های مالی مسلمانان را مورد بررسی قرار داده‌اند و منابع غنی در این زمینه موجود است. منابع موجود در این زمینه غالباً به زبان‌های عربی، فارسی، ترکی بوده و منبع انگلیسی زیادی به چشم نمی‌خورد (قرضاوی، ۱۹۹۵). ادبیات انگلیسی حسابداری اسلامی در سال ۱۹۸۱ با چاپ نخستین مقاله با موضوع کشف نیازهای حسابداری عملیات به دلیل توسعه رویه مالی و ایجاد تقاضا برای تحقیقات حسابداری پرداختند. اما داستان ادبیات عربی متفاوت است، در این حوزه محققان بیش‌تر به تشریح تاریخ حسابداری اسلامی در کشورهای اسلامی و تدوین نظریه حسابداری اسلامی پرداختند (ابراهیم، ۲۰۰۰).

بخش ادبیات مدرن طی سه یا چهار دهه اخیر ایجاد شده است. این بخش به زبان انگلیسی و در پاسخ به تأمین مالی اسلامی و چالش‌های مربوط به رشد این حوزه‌ها شکل گرفت (کریم، ۲۰۰۱). ناپیر (۲۰۰۹) ادبیات مدرن مربوط به حسابداری اسلامی را به سه بخش تقسیم نمود. دسته نخست شامل مقالات مربوط به تشریح اصول گسترده سامانه حسابداری اسلامی و تعدیل نیازهای آن است (مانند حنیفه و حدیب، ۲۰۰۷؛ مرتضی، ۲۰۰۲). گروه دوم، مقالات مربوط به رویه‌های حسابداری عملیات بانکداری اسلامی را در برمی‌گیرد (مانند کریم، ۱۹۹۵). مقالات

گروه سوم به حسابداری و مسئول کنترل و نظارتی می‌پردازند (مانند عبدالرحمان و شریف، ۲۰۰۳). ادبیات مدرن، ادبیات حسابداری از دیدگاه اسلامی و موضوعات مختلف دیگری از قبیل مسئولیت پاسخگویی و زکات را در برمی‌گیرد.

ابراهیم (۲۰۰۰)، رساله دکترای خود را با عنوان نیاز به حسابداری اسلامی، در دانشگاه داندی اسکاتلند ارائه نمود. وی ضمن تبیین نظام حاکم بر اقتصاد و حسابداری غرب، با استفاده از ابزار پرسشنامه به ارائه اهداف و مفاهیم حسابداری اسلامی پرداخت.

باچری (۲۰۰۱)، بررسی دیدگاه صحیح و منصفانه از منظر اسلامی، را به عنوان رساله دکترا در دانشگاه ساری انگلستان، انتخاب نمود. وی با استفاده از ابزار پرسشنامه، استفاده از استانداردهای سازمان حسابداری و حسابرسی اسلامی را متضمن تحقق دیدگاه صحیح و منصفانه در حسابداری اسلامی معرفی نمود.

الجدیدی (۲۰۱۴)، موضوع اندازه‌گیری به ارزش متعارف در نهادهای مالی اسلامی، را برای اخذ درجه دکترا از دانشگاه لندن، انتخاب نمود و با استفاده از ابزار پرسشنامه، ارزش متعارف را برای اندازه‌گیری در حسابداری اسلامی مناسب دانست.

در ایران نیز تاکنون پژوهش‌ها و مطالعات زیادی در حوزه بانکداری اسلامی صورت پذیرفته است. ولی در حوزه حسابداری و گزارشگری مالی نظام مزبور، تحقیقات زیادی انجام نشده است.

از جمله تحقیقات انجام شده در ایران، پژوهشی است که شکرخواه (۱۳۹۱) برای اخذ درجه دکترا در دانشگاه علامه طباطبایی و به راهنمایی دکتر باباجانی، در مورد مدل مناسب حسابداری برای بانکداری اسلامی در ایران صورت گرفته است. براساس یافته‌های این پژوهش دلفی، تئوری وجوه و حسابداری حساب‌های مستقل برای حسابداری اسلامی مناسب دانسته شده‌اند.

حجت‌ا. صیدی نیز (۱۳۸۷) رساله دکتری خود را در دانشگاه علامه طباطبایی و به راهنمایی دکتر باباجانی با موضوع ارائه مدلی برای گزارشگری مالی در بازار سرمایه اسلامی؛ نمونه موردی ایران، ارائه نمود. بر اساس نتایج این پژوهش دلفی نیز تئوری وجوه و حسابداری حساب‌های مستقل برای حسابداری اسلامی مناسب هستند.

توجه جهانی به حسابداری اسلامی

نیاز به گزارشگری نهادهای مالی اسلامی از آنجا نشأت گرفته است که نهادهای مالی اسلامی در اجرای استانداردهای حسابداری موجود از قبیل استانداردهای مالی گزارشگری بین‌المللی و استانداردهای حسابداری داخلی که بر ساختارها و رویه‌های مالی معمول تدوین شده‌اند، به مشکل برخوردند. زیرا از یک‌سو، معاملات شرعی ناظر بر حرمت ربا، معادلی در تأمین مالی مرسوم

ندارند و از سوی دیگر، استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی تدوین‌شده نیز جوابگوی چالش‌های معاملات مالی و عقود اسلامی نیستند. از این‌رو، به لحاظ اهمیت و ضرورت موضوع، پژوهش‌های گسترده‌ای در این عرصه توسط دانشگاه‌ها و سازمان‌های اسلامی انجام شد و در نتیجه این تحقیقات و در راستای تحقق اهداف اسلامی، سازمان‌هایی با هدف تهیه و تدوین استانداردهای حسابداری مربوط به فعالیت نهادهای مالی اسلامی تأسیس گردیدند. این سازمان‌ها عبارت‌اند از:

- سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی
- هیئت استانداردهای حسابداری مالزی
- گروه تدوین استاندارد آسیا-اقیانوسیه
- مرکز دانش مالیه اسلامی دلویت

در میان سازمان‌ها و نهادهای مذکور، سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی، خود را به‌عنوان نهاد پیشرو در زمینه تدوین استانداردهای حسابداری اسلامی معرفی نموده است. این سازمان غیرانتفاعی در تاریخ دوازده رمضان ۱۴۱۱ هـ، ق (۲۷ مارس ۱۹۹۱ م) در بحرین به ثبت رسید. این سازمان تاکنون ۲۶ استاندارد حسابداری با عنوان استانداردهای حسابداری مالی تدوین نموده است.

اندازه‌گیری از منظر سازمان حسابداری و حسابرسی اسلامی

در ادبیات حسابداری اسلامی، اغلب از زکات به عنوان سنگ بنای تعیین ابزارهای اندازه‌گیری یاد شده است (الجدیبی، ۲۰۱۴؛ ابراهیم، ۲۰۰۰). دلایل انتخاب زکات برای تعیین مبنای اندازه‌گیری به شرح زیر است:

۱. زکات مفهومی در اسلام است که به‌طور مستقیم با اندازه‌گیری دارایی‌ها سروکار دارد. در قرآن و احادیث رهنمودهایی در مورد اندازه‌گیری زکات وجود دارد.
۲. در بسیاری از آیات بلافاصله پس از دستور نماز پرداخت زکات بر مسلمانان واجب شده است و از ستون‌های دین اسلام محسوب می‌گردد. بنابراین، مسلمانان برای انجام این تعهد باید ابزارهای لازم (از جمله حسابداری) را به‌کارگیرند.
۳. توسعه حسابداری در دولت‌های اولیه اسلامی، ارتباط مستقیم با زکات داشته است. در آن زمان دولت اسلامی، دفترها و گزارش‌های حسابداری را به منظور محاسبه زکات و پاسخگویی در مورد آن تهیه می‌نمود.

دیدگاه غالب در مورد زکات استفاده از قیمت فروش در زمان ایجاد تعهد بابت زکات است. بنابراین، مؤسسات تجاری اسلامی باید از بهای جاری و نه بهای تمام‌شده تاریخی استفاده کنند. سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی نیز از این دیدگاه پیروی نموده و ضمن ارائه استاندارد حسابداری مالی شماره ۹ در مورد زکات، استفاده از ارزش متعارف را در محاسبه زکات لحاظ نموده است. بر اساس استاندارد حسابداری مالی شماره ۹ در استفاده از روش خالص دارایی‌ها، مبنای زکات به شرح زیر تعیین می‌گردد (استاندارد حسابداری مالی، شماره ۹، ۲۰۱۰):

مبنای زکات = دارایی‌های مشمول زکات - (بدهی‌هایی که در طی سال مالی منتهی به تاریخ ترازنامه سررسید می‌شوند + حقوق صاحبان حساب‌های سرمایه‌گذاری محدود نشده + حقوق اقلیت + حقوق متعلق به دولت + حقوق متعلق به حقوق موقوفه + حقوق متعلق به صندوق خیریه و زکات + حقوق متعلق به سازمان‌های غیرانتفاعی به‌جز موارد شخصی).

دارایی‌های مشمول زکات شامل وجه نقد و معادل نقد، حساب‌های دریافتی پس از کسر ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول، دارایی‌های کسب‌شده برای دادوستد (برای مثال، موجودی‌ها، اوراق بهادار قابل خرید و فروش، املاک و غیره)، و دارایی‌های تأمین مالی (برای مثال مضاربه، مشارکت و غیره). دارایی‌های تأمین مالی باید پس از کسر ذخایر کاهش قیمت یا غیرقابل وصول باشد. وجوه مصرف‌شده برای کسب دارایی‌های ثابت مرتبط با دارایی‌های تأمین مالی باید کسر شود. دارایی‌های تحصیل شده برای دادوستد، باید به ارزش معادل وجه نقد آن‌ها در تاریخی که زکات سررسید می‌شود، ارزیابی گردد. در تعیین دارایی‌های مشمول زکات که برای دادوستد یا به صورت محصولات کشاورزی یا احشام در دسترس است، باید به نرخ و نسایی (حداقل مبلغ غیرمشمول زکات) که برای این نوع دارایی‌ها بر طبق شریعت اسلامی تخصیص داده شده است، توجه شود.

بر این اساس سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی در زمینه اندازه‌گیری بر ارزش متعارف تأکید داشته و در محاسبه زکات، و همچنین سرمایه دو عقد مضاربه و مشارکت ملحوظ در فرمول محاسبه زکات ارائه شده در استاندارد شماره ۹ با عنوان "زکات"، اندازه‌گیری اولیه و اندازه‌گیری‌های بعدی سرمایه این عقود را بر اساس ارزش منصفانه انجام می‌دهد (استاندارد حسابداری مالی شماره ۳، ۲۰۱۰؛ استاندارد حسابداری مالی شماره ۴، ۲۰۱۰).

دارایی‌های تحصیل شده برای دادوستد، باید به ارزش معادل وجه نقد آن‌ها در تاریخی که زکات سررسید می‌شود، ارزیابی گردد. علاوه بر این اندازه‌گیری مضاربه و مشارکت روش خالص دارایی‌ها (روش تشریح شده توسط فقهای اهل سنت) صورت گیرد. زیرا چنانچه سرمایه در قالب دارایی‌های نامشهود با توافق طرفین را ملزم می‌نماید که سهم بانک اسلامی از مشارکت باید به

ارزش منصفانه در زمان تنظیم قرارداد اندازه‌گیری شود (سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی، ۱۳۸۹).

بر اساس استاندارد حسابداری مالی شماره ۳ مبنی بر تأمین مالی مضاربه، سرمایه تأمین مالی مضاربه (وجه نقد یا غیر نقد) باید در زمانی که به مضارب پرداخت یا در اختیار وی قرار داده می‌شود، شناسایی شود. این سرمایه اگر به صورت وجه نقد پرداخت شده باشد، باید به میزان مبلغ پرداخت شده یا میزانی که در اختیار مضارب قرار گرفته، اندازه‌گیری شود. در صورتی که سرمایه به صورت غیر نقد تأمین مالی شده باشد، به ارزش منصفانه دارایی‌ها ارزیابی می‌گردد و چنانچه ارزیابی دارایی‌ها به تفاوتی بین ارزش منصفانه و ارزش دفتری منجر شود، چنین تفاوتی به عنوان سود یا زیان بانک اسلامی شناسایی می‌گردد. هزینه‌های عملیات مورد توافق متحمل شده به وسیله یک یا هر دو طرف به عنوان قسمتی از سرمایه مضاربه تلقی نمی‌شود، مگر اینکه هر دو طرف در این مورد به توافق رسیده باشند (سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی، ۱۳۸۹).

بر اساس استاندارد حسابداری مالی شماره ۴ مبنی بر تأمین مالی مشارکت، سرمایه تأمین مالی در زمانی که به صورت وجه نقد پرداخت شده باشد، باید به میزان مبلغ پرداخت شده یا میزانی که در اختیار مشتری قرار گرفته، در حساب مشارکت منظور می‌شود. سهم بانک اسلامی از سرمایه مشارکت که به صورت غیر نقد تأمین شده باشد، به ارزش منصفانه دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود و چنانچه ارزیابی دارایی‌ها به تفاوتی بین ارزش منصفانه و ارزش دفتری منجر شود، چنین تفاوتی به عنوان سود یا زیان بانک اسلامی شناسایی می‌گردد. هزینه‌های مرتبط با قرارداد که توسط یک یا هر دو طرف انجام می‌شود به عنوان بخشی از سرمایه مشارکت محسوب نمی‌شود، مگر این‌که هر دو طرف در این مورد به توافق رسیده باشند (سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی، ۱۳۸۹).

روش پژوهش

ارائه پاسخ برای چالش‌های حسابداری اسلامی نیازمند بررسی فقهی و حسابداری است. بنابراین، موضوع مورد مطالعه بین‌رشته‌ای محسوب می‌گردد. با توجه به نبود ادبیات در زمینه بررسی فقهی حسابداری اسلامی، پژوهش حاضر به روش آمیخته اکتشافی به انجام رسیده است (بازرگان، ۱۳۹۱). در این راستا، ابتدا در بخش کیفی تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی؛ چالش‌های بنیادی حسابداری اسلامی از منظر فقهی مورد بررسی قرار گرفته و پاسخ داده شده

است. روش توصیفی-تحلیلی، روشی متقن در پژوهش‌های علوم اسلامی محسوب می‌گردد و ضمن توصیف وضع موجود با استناد به منابع فقهی معتبر و بدون شبه (قرآن کریم، احادیث معتبر و استفتاء) به تبیین آنچه باید باشد می‌پردازد و پاسخ فقهی مورد نیاز را ارائه می‌نماید (نقیبی، ۱۳۹۰). در گام بعدی و بخش کمی پژوهش، در راستای اخذ نظر خبرگان حسابداری در مورد چالش و مقایسه نظرات و پاسخ‌های مورد توجه آن‌ها با نتایج حاصل از بررسی‌های فقهی، از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه استفاده شد. پیمایش یکی از روش‌های تحقیق اجتماعی است که در آن اعضای جامعه آماری به پرسش‌هایی در مورد موضوع مورد مطالعه محقق، پاسخ می‌دهند. آن‌ها این کار را یا از طریق پرکردن "پرسشنامه‌ای" که در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد و یا شفاهاً از طریق "مصاحبه" انجام می‌دهند. به عبارت دیگر پیمایش شیوه سیستماتیک جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه رودررو، تلفنی و یا پرسشنامه خوداجرا است که از طریق پست برای اعضای جامعه آماری فرستاده می‌شود و باز می‌گردد (عضدانلو، ۱۳۸۸). پرسشنامه بر اساس نتایج بخش کیفی و پاسخ‌های فقهی تدوین می‌گردد.

جامعه و روش نمونه‌گیری

در بخش کمی پژوهش نمونه مورد مطالعه باید به نحوی انتخاب شود تا افراد متخصص، خبره و صاحب‌نظر در موضوع تحقیق، در نظرسنجی نقشی اساسی ایفا نمایند. به منظور اخذ نظرات خبرگان حسابداری از روش نمونه‌گیری هدفمند و یا قضاوتی استفاده شده است (بازرگان، ۱۳۹۱). نظر ۵۰ تن از صاحب‌نظران خبرگان حسابداری گردآوری شده است که با توجه به تخصص افراد و اجماع نظر در مورد موضوع مورد بررسی، مقبول می‌نماید.

جدول ۱: گروه خبرگان و متخصصین منتخب

شغل	فراوانی
اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های دولتی	۳۶
حسابداران رسمی	۳۵
مدیران ارشد بانکی	۱۵
مجموع	۵۰

روش گردآوری اطلاعات

در پژوهش حاضر اطلاعات مورد نیاز بخش کیفی و بررسی‌های فقهی به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. اطلاعات بخش کمی از طریق پرسشنامه حاصل شده است. پرسشنامه بر اساس چالش‌های حسابداری اسلامی و نتایج بخش کیفی پژوهش طراحی گردید. روایی پرسشنامه مورد تأیید اساتید و خبرگان حسابداری قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

تحلیل کیفی، نقد و بررسی اندازه‌گیری از منظر فقهی

در ابتدا در مورد اعمال استاندارد گزارشگری مالی شماره ۹ برای عقود اسلامی و نیز دیدگاه سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی به اندازه‌گیری در حسابداری اسلامی اشاره به نکاتی ضروری می‌نماید:

استاندارد گزارشگری مالی شماره ۹ تعداد طبقات دارایی‌های مالی را به دو گروه، عمده تقلیل داده است؛ ابزارهای گزارش شده به ارزش منصفانه و ابزارهایی که ابتدا به ارزش منصفانه به علاوه هزینه معامله اندازه‌گیری شده‌اند و در اندازه‌گیری‌های بعدی به بهای تمام شده پس از استهلاک ارائه می‌شوند. پاراگراف ۲-۱-۴ استاندارد گزارشگری مالی بین‌المللی شماره ۹، دو شرط لازم برای اندازه‌گیری دارایی به بهای تمام شده پس از کسر استهلاک را بیان می‌نماید. دارایی‌های مالی در صورت وجود هر دو شرط زیر به بهای تمام شده پس از استهلاک اندازه‌گیری می‌شوند: الف) دارایی طبق مدل تجاری با هدف نگهداری به منظور کسب جریان وجوه نقد قراردادی نگهداری شود،

ب) شرایط قراردادی دارایی مالی در تاریخ‌های مشخص جریان وجوه نقد تنها شامل اصل و بهره اصل مبلغ صادره هستند را ایجاد می‌نماید.

پاراگراف ۳-۱-۴ اجزای بهره را تشریح می‌کند. بهره متشکل است از مابه‌ازای ارزش زمانی پول و بابت ریسک اعتباری مربوط به اصل مبلغ صادره در طول دوره زمانی خاص و بابت سایر ریسک‌ها و هزینه‌های قرض دادن و همچنین حاشیه سود.

در مورد اعمال استاندارد گزارشگری مالی شماره ۹ در مورد عقود مشارکتی شایان ذکر است عقود مشارکتی جریان نقدی ثابت ندارند. بدین معنا که تسهیم سود و زیان نامشخص بوده و از پیش تعیین شده نیست. در صورت تعیین مبلغ مشخص برای سود عقد باطل است. به علاوه، مسئله بهره در بحث عقود اسلامی وجود ندارد. بنابراین با توجه به لحاظ شدن بهره در استاندارد

گزارشگری مالی بین‌المللی شماره و دو شرط بیان شده، استفاده از این استاندارد در مورد عقود اسلامی جایز نیست.

در مورد دیدگاه سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی، نخست، فارغ از مناسب بودن یا نبودن استفاده از ارزش متعارف در حسابداری اسلامی و عقود مشارکتی، استفاده از زکات به عنوان استدلال به‌کارگیری ارزش منصفانه در اندازه‌گیری از منظر فقه شیعه صحیح نیست. زیرا مبنای زکات در مورد اقلام ۹ گانه مشمول زکات ارزش پولی و مبلغ آن‌ها نیست (غلات چهارگانه، اگر پس از خشک شدن به نصاب لازم ۲۲۸ من تبریز و ۴۵ مثقال کم، برابر با ۲۰۷/۸۴۷ کیلوگرم برسد. گوسفند ۵ نصاب گاو ۲ نصاب و شتر ۱۲ نصاب دارد. طلا؛ نصاب نخست آن ۲۰ و نصاب دوم آن ۴ مثقال و در نقره؛ نصاب نخست آن ۱۰۵ و نصاب دوم آن ۲۱ مثقال است).

دوم اینکه، استاندارد حسابداری مالی شماره ۳ "مضاربه"، اندازه‌گیری سرمایه مضاربه به ارزش منصفانه را الزامی می‌داند. حال آنکه در فقه امامیه، از جمله شرایط سرمایه مضاربه این است که مانند در هم و دینار (طلا و نقره مسکوک) یا پول نقد رایج باشد. دلایل این امر به شرح ذیل است:

الف. عده‌ای از فقها گفته‌اند که در این مورد اختلافی وجود ندارد و در تأیید نظر خود مدعی اجماع منقول و محصل شده‌اند (بروجردی عبده، ۱۳۲۹).

ب. برخی فقهای امامیه (حائری، ۱۳۷۲) در بیان دلیل نقد بودن سرمایه مضاربه گفته‌اند: (در صورتی که سرمایه مضاربه، کالا باشد لازم‌اش این است که یا مالک، تمام سود را دریافت کند یا بخشی از سرمایه را ببرد)؛ بدین توضیح که اگر سرمایه مالی مثلی باشد، سرمایه یا خود آن مال است یا قیمت آن که در صورت اول، مضارب باید در پایان مضاربه و زمان محاسبه، عین آن را در صورت وجود و مثل یا قیمت آن را در صورت تلف بدهد. در این صورت، اگر برای مثال، قیمت کالا در روز تسلیم آن به مضارب ده میلیون ریال باشد، مشکلی به وجود نمی‌آید؛ اما اگر قیمت کالا بالا رفته یا پایین آمده باشد، عامل باید بعد از پایان مضاربه همان کالا را مسترد کند و در صورت تلف، مثل آن را به قیمت بالا رفته یا پایین آمده خریداری کند که در صورت اول لازم می‌آید اصل و سود به مالک داده شود و در صورت دوم لازم می‌آید فقط بخشی از سرمایه به مالک داده شود و مضارب در مابقی آن با مالک سرمایه شریک شود، حال آنکه سرمایه مضاربه از آن مالک است.

ج. دلیل سوم بر نقد بودن سرمایه مضاربه، روایات است (شهیدی، ۱۳۸۴). ماده ۵۲۷ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد که در مضاربه سرمایه باید وجه نقد باشد. منظور از وجه نقد، پول رایج کشور

است. در فقه امامیه به اجماع فقیهان، مقصود از وجه نقد مسکوکات طلا و نقره یعنی درهم و دینار است. مقنن در ماده ۵۴۷ قانون مدنی که از فقه امامیه اقتباس شده به این اعتبار که درهم و دینار از نظر نقد رایج بودن مورد توجه شرع بوده وجه نقد یعنی پول رایج را شرط سرمایه مضاربه دانسته است. همچنین، بر اساس مفهوم مخالف ماده ۵۴۷ قانون مدنی سرمایه مضاربه نباید کالا باشد در صورتی که مالک، کالایی را به عامل بدهد و قصد انعقاد عقد مضاربه را نیز داشته باشد، عقد مضاربه واقع نمی‌شود، مگر اینکه او را وکیل در فروش کالا سازد و پس از فراهم شدن وجه نقد حاصل از فروش کالا، عقد مضاربه را واقع سازند.

بنابراین، استفاده از ارزش منصفانه در اندازه‌گیری اولیه سرمایه عقد مضاربه منطبق بر رهنمود فقهی عقد مضاربه نیست.

به منظور استدلال فقهی در مورد اندازه‌گیری مناسب در حسابداری اسلامی و به‌طور خاص عقود مشارکتی باید به باب شرکت در فقه اشاره نمود. شرکت، عنوان بایی مستقل در فقه است که از احکام آن به تفصیل سخن رفته است. برخی، یاد شده را چنین تعریف نموده‌اند: «استحقاق دو یا چند نفر نسبت به چیزی به نحو اشاعه افزودن این جمله بدین جهت است که تعریف، شامل مشارکت دو یا چند نفر در حقی همچون قصاص نیز گردد؛ زیرا تعریف ذکر شده در شناسه شامل آن نمی‌شود؛ چون در حقوق یاد شده ملک حقیقی وجود ندارد؛ در نتیجه مالکی نیز در میان نخواهد بود (یزدی، بی‌تا). تعریف یاد شده - که منطبق با معنای لغوی و عرفی شرکت است - تنها تعریف گروهی از فقها از شرکت است. شرکت، عنوان بایی مستقل در فقه است که از احکام آن به تفصیل در این باب سخن رفته است.

شرکت از یک منظر به دو دسته تقسیم می‌گردد:

- شرکت قهری و اختیاری: مورد شرکت قهری جایی است که سبب شرکت اختیاری نباشد، مانند ارث، یا آمیخته شدن دو مال بدون اختیار شرکا
- شرکت اختیاری در جایی است که شرکت اختیاری باشد، مانند حیات و عقد.

استفاده از ارزش متعارف در شرکت قهری (ارث)

در زمینه ارث، بحث اندازه‌گیری به‌طور خاص در مورد سهم زن مطرح است. نظر رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی بر این است که زن از عین و قیمت زمین ارث نمی‌برد، خواه آن اراضی زمین زیر کشت زراعت و درخت و زیر بنا قرار گرفته باشد یا نه. اما از قیمت مصالح ساختمانی مثل تیر، تخته، آجر و همچنین درختان و نخل و میوه بر درخت و بذر، ارث می‌برد. طبق نظر ایشان، زوجه از قیمت اعیانی که در زمان مرگ شوهر موجود است، ارث می‌برد. ولی به

وجود آمدن نمو و زیاده در عین بعد از مرگ شوهر و تا روز تقسیم میراث باعث ارث‌بری زن نمی‌شود. ایشان در ادامه می‌افزایند؛ قیمت اعیانی که سهم‌الارث زن از آن‌ها پرداخته می‌شود، باید به قیمت روز پرداخت شود (و نه زمان فوت شوهرش) و طریقه قیمت کردن مصالح ساختمانی و درختان را این‌گونه بیان می‌کنند که تا روزی که از بین نرفته و در آن مکان بدون اجاره و البته مجانی خواهد ماند، از آن قیمت، سهم‌الارث زوجه را می‌دهند (موسوی‌خمینی، ۱۳۵۸)

آیت‌الله بهجت نیز به طور کلی زن را مستحق اموال منقول شوهر می‌داند و زمین (مسکونی، باغ، زراعت) و قیمت را در سهم ارث زن به شمار نمی‌آورند، اما همانند دیگر مراجع قیمت بنا و ساختمان و درخت را در ارث زن حساب می‌کنند (آیت‌الله بهجت، ۱۳۸۶)

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، در مواردی که تسهیم ارث نیازمند قیمت‌گذاری باشد، بهای تمام شده تاریخی کارایی نداشته و از ارزش متعارف زمان فوت یا قیمت روز استفاده می‌گردد.

استفاده از ارزش متعارف در شرکت اختیاری (عقود مشارکتی)

مراد از تقسیم جدا کردن هر یک از شرکا سهم خود را از دیگران پس از تحقق شرکت است. هرکدام از شرکا می‌توانند از سایر شرکا تقسیم مال مشترک را مطالبه کند و آنان نمی‌توانند از آن خودداری نمایند و در صورت خودداری حاکم شرع، امتناع‌کننده را بر پذیرش قسمت وادار می‌کند، مگر در صورتی که تقسیم زیان‌آور باشد (آیت‌الله سیستانی، ۱۴۱۷).

به منظور تقسیم اموال مشترک در شرکت اختیاری، مانند حيازت و عقد، ابتدا باید سهام شرکا به یکی از سه صورت ذیل تعدیل شود:

الف. به گونه افراز: به معنای تعدیل سهام برحسب کمیت و تجزیه آن به کیل، وزن، مساحت و یا شمارش. اموالی مشمول این نوع تقسیم می‌شوند که شکل و صفت واحدی داشته باشند که از آن‌ها به مثلی تعبیر می‌شود، مانند حبوبات، شیر، میوه‌ها و پارچه.

ب. به گونه تعدیل: به معنای تعدیل برحسب قیمت و ارزش مادی اموال مشترک. این نوع تعدیل در اموالی جریان دارد که قیمتی اند نه مثلی، مانند جانوران و درختان. بنابراین، دو فردی که در سه کالا باهم شریک‌اند، اگر قیمت یکی از کالاها برابر با دو کالا باشد، آن گوسفند یک سهم و دو گوسفند دیگر نیز یک سهم قرار داده می‌شوند.

ج. به گونه رد: به معنای تعدیل به‌ضمیمه مالی بیرون از اموال مشترک به سهام، مانند این که دو تا کالا با ارزش هشت و چهار میلیون بین دو نفر مشترک باشد که در اینجا دو خودرو بدین گونه تقسیم می‌شوند که هرکدام از دو شریک، یکی را برمی‌دارد؛ لیکن آن که کالای گران‌بها را

برداشته باید مبلغ دو میلیون به دیگری بدهد. همان‌طور که بیان گردید در دو روش اخیر در بحث تقسیم اموال مشترک، بحث ارزش مطرح بوده و تقسیم صحیح منوط به در نظر گرفتن متعارف دارایی است. بنابراین، از منظر فقهی، استفاده از ارزش متعارف در حسابداری اسلامی و به طور خاص عقود مشارکتی الزامی است.

تحلیل کمی، نظر خبرگان حسابداری

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، برای مقایسه نظر متخصصان (صاحب‌نظران) با نتایج بخش کیفی پژوهش، پرسشنامه‌ای تدوین شد و در اختیار آنان قرار گرفت. داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های تکمیل‌شده، پس از جمع‌آوری و استخراج، به کمک نسخه هفدهم نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. پرسشنامه بر اساس چالش اندازه‌گیری بنیادی و پاسخ‌های بخش فقهی طراحی شده است. به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های پژوهش از آزمون کولموگورف-اسمیرنوف استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که توزیع داده‌ها در رابطه با تمام موارد نرمال است. چرا که با توجه به نتایج، سطح معناداری برای همه متغیرها بیش از ۰/۰۵ است. بنابراین، برای آزمون فرضیات از آزمون پارامتریک t تک نمونه استفاده گردید. از آنجایی که در این تحقیق از مقیاس ۵ مرتبه‌ای لیکرت استفاده شده است، فرضیات به صورت زیر تعریف می‌گردد:

فرضیه اول: اندازه‌گیری به ارزش منصفانه برای حسابداری اسلامی مناسب است

برای آزمون این فرضیه از آزمون t تک متغیره استفاده شد. فرض صفر و خلاف عبارت‌اند از:

$$H_0 = M \equiv \mu$$

$$H_1 = M \neq \mu$$

جدول ۲: آزمون t تک متغیره مربوط به فرضیه اول

	مقدار آزمون = ۳				سطح اطمینان ۹۵٪ 95% Confidence Interval of the Difference		نتایج
	T	درجه آزادی Df	سطح معناداری Sig. (2-tailed)	اختلاف میانگین Mean Difference	حد پایین Lower	حد بالا Upper	
فرضیه اول	۵/۲۰۰	۴۹	۰/۰۰	۰/۷۴۰۰	۰/۴۵۴۰	۱/۰۲۶۰	H ₁ تأیید شد

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول فوق، مقدار عدد معناداری مشاهده شده برای عامل فرض اول از سطح معناداری استاندارد تعیین شده ($\alpha=0/05$) کمتر است. همچنین مقدار t مثبت و بیش‌تر از مقدار t جدول است. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که فرض صفر، رد شده و فرض معناداری مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه دوم: سرمایه عقود مشارکتی باید به ارزش منصفانه اندازه‌گیری شود.

جدول ۳: آزمون t تک متغیره مربوط به فرضیه دوم

	مقدار آزمون = ۳				سطح اطمینان ۹۵٪ 95% Confidence Interval of the Difference		نتایج
	T	درجه آزادی df	سطح معناداری Sig. (2-tailed)	اختلاف میانگین Mean Difference	حد پایین Lower	حد بالا Upper	
فرضیه دوم	۶/۶۲۵	۴۹	۰/۰۰۰	۰/۸۷۷۵۵	۰/۶۱۱۲	۱/۱۴۳۹	H ₁ تأیید شد

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول فوق، مقدار عدد معناداری مشاهده شده برای عامل فرض اول از سطح معناداری استاندارد تعیین شده ($\alpha=0/05$) کمتر است. همچنین مقدار t مثبت و بیش‌تر از مقدار t جدول است. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که فرض صفر، رد شده و فرض معناداری مورد تأیید قرار می‌گیرد.

پیشنهاداتی با توجه به نتایج پژوهش

با توجه به مباحث مطرح شده و نتایج به دست آمده، اعمال راه حل ارائه شده و حل و فصل چالش‌های حسابداری اسلامی نیازمند اقدامات عملی توسط نهادهای مسئول در سطح ملی و فراملی است. از جمله اقدامات لازم به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

۱. لزوم تشکیل کمیته فقهی در سازمان حسابداری

ارائه رهنمود در مورد حسابداری اسلامی بدون بررسی فقهی و کسب نظر متخصصان این حوزه بی‌معنا خواهد بود. وجود کمیته وقفه در سازمان حسابداری در کنار کمیته تدوین به منظور ارزیابی موضوعات جدید پیشنهادی برای تدوین استاندارد حسابداری از دیدگاه فقهی، بررسی شبهات

فقهی در مورد استانداردهای حسابداری موجود و ارائه راه‌حل‌های مناسب و.. ضروری به نظر می‌رسد.

۲. لزوم اقدام فراملی در زمینه حل چالش‌های حسابداری اسلامی

با وجود قبول اهمیت جهانی حسابداری اسلامی و لزوم ارائه رهنمود برای چالش‌های حسابداری این حوزه، پیشرفت عملی محسوس حاصل نشده است. دو دیدگاه حاکم در زمینه حل چالش‌های حسابداری اسلامی (ارائه مجموعه مجزا از استانداردهای حسابداری اسلامی و یا پوشش حسابداری اسلامی در استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی) ناموفق بوده‌اند. استانداردهای ارائه شده توسط سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی مورد پذیرش جهانی قرار نگرفته و از منظر اسلامی نیز مقبول نیستند. مقایسه نتایج بررسی‌های فقهی با رهنمودهای ارائه شده این سازمان در زمینه اهداف، مفاهیم و افشا، مؤید وجود تفاوت‌های عمده‌ای با رهنمودهای اسلامی می‌باشد. با توجه به مطالب یادشده، شایسته است، جمهوری اسلامی ایران به عنوان پرچمدار اسلام ناب محمدی و نیز کشوری با پیشرفت‌های علمی محسوس در زمینه حسابداری اسلامی اقدام شایسته‌ای به عمل آورد. از نهادهای مذکور انتظار می‌رود با وجود خلأ جهانی در زمینه حسابداری اسلامی ضمن بررسی جامع دو دیدگاه موجود، دیدگاه مرجح را انتخاب نموده و خود را به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده و پیشرو معرفی نموده و در حد جهانی نقش‌آفرینی نماید.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر اندازه‌گیری در حسابداری اسلامی و به‌طور خاص عقود مشارکتی را مورد بررسی قرار داد. به دلیل بین‌رشته‌ای بودن موضوع و عدم وجود ادبیات کافی روش پژوهش آمیخته اکتشافی مورد استفاده قرار می‌گیرد، و موضوع از هر دو منظر فقهی و حسابداری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بر اساس نتایج، به‌کارگیری استاندارد گزارشگری شماره ۹ در مورد عقود مشارکتی صحیح نیست. زیرا، بهره در این استاندارد لحاظ شده و ایجاد جریان وجه نقد ثابت و بهره توسط ابزارهای مالی مفروض است. همچنین در مورد دیدگاه سازمان حسابداری و حسابرسی اسلامی، استفاده از زکات به عنوان استدلال به‌کارگیری ارزش متعارف در حسابداری اسلامی صحیح نیست. زیرا نصاب پرداخت زکات اقلام نه‌گانه مشمول زکات ارزش پولی و مبلغ آن‌ها نیست. بر اساس فقه شیعه و با توجه به باب مشارکت، تقسیم مطلوب در مشارکت با استفاده از ارزش متعارف حاصل خواهد شد.

بر اساس نظر خبرگان حسابداری، مقابل ارائه اطلاعات حسابداری اسلامی باید به ارزش متعارف صورت پذیرد و شفافیت صورت‌های مالی در صورت شناسایی سرمایه عقود مشارکتی به ارزش متعارف مورد تأیید قرار گرفته‌اند. بر این اساس، دیدگاه خبرگان حسابداری با نتایج فقهی هم‌راستا است. علیرغم همگرایی نظر خبرگان حسابداری با نتایج بررسی‌های فقهی، ارائه رهنمود در مورد حسابداری اسلامی بدون بررسی فقهی و کسب نظر متخصصان این حوزه بی‌معنا خواهد بود. از این منظر وجود کمیته فقهی در سازمان حسابداری در کنار کمیته تدوین به منظور ارزیابی موضوعات جدید پیشنهادی برای تدوین استاندارد حسابداری از دیدگاه فقهی، بررسی شبهات فقهی در مورد استانداردهای حسابداری موجود و ارائه راه‌حل‌های مناسب و .. ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- آیت‌الله بهجت، م. (۱۳۸۶). رساله توضیح‌المسائل، قم: انتشارات شفق، چاپ ۷۸.
- آیت‌الله سیستانی. (۱۴۱۷ق). منهاج‌الصالحین، قم، چاپ پنجم.
- باباجانی، ج. و شکرخواه، ج. (۱۳۹۱). ”مدل مناسب حسابداری برای بانکداری اسلامی در ایران“. فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال پنجم، ش ۱۷، ۱۶۳-۱۹۲.
- بازرگان، ع. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، تهران: انتشارات دیدار.
- بروجردی‌عبده، م. (۱۳۹۲). حقوق مدنی، تهران چاپ ۱.
- حائری‌شاهباغ، س.ع. (۱۳۷۲). شرح قانون مدنی، ج ۱، تهران: انتشارات به‌نشر، چاپ ۱.
- سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی. (۱۳۸۹). استانداردهای حسابداری مؤسسات مالی اسلامی، ترجمه علی‌اکبر جابری، تهران: انتشارات سازمان حسابرسی.
- شهیدی، م. (۱۳۸۴). تشکیل قراردادهای و تعهدات، تهران: نشر مجد، چاپ چهارم.
- صیدی، ج. (۱۳۸۷). ارائه مدلی برای گزارشگری مالی در بازار سرمایه اسلامی؛ نمونه موردی ایران پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- عضدانلو، ج. (۱۳۸۸). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- موسوی‌خمینی، ر. (۱۳۷۰). صحیفه نور، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- نقیبی، الف. (۱۳۹۰). روش تحقیق در علوم اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دوم.
- یزدی، م. متمسک‌العروه‌الوثقی، قم، انتشارات داوری، بی‌تا.

Abdul-Rahman, A.R. and Shariff, R.A.M. (2003). "An Exploratory Study of Accounting on Ijarah as Practiced by Malaysian Financial Institutions". *International Journal of Islamic Financial Services*, 5 (3): 1-15.

Akhtar, A. (2011). "at the Islamic Financial Intelligence Summit (IFIS)". Text of speech available at: <http://www.bis.org/review/r111117e.pdf?frames=0>.

Aljedaibi, T. (2014). "Fair Value Measurement and Islamic Financial Institutions: The Shariah Perspective and the Case of Saudi Banks", A thesis Submitted for the degree of Doctor of Philosophy, University of London. Available at:

http://pure.rhul.ac.uk/portal/files/20364710/Talal_Aljedaibi_PhD_Fair_Value_Measurement_and_Islamic_Financial_Institutions.pdf

Bucheery, R.A.M. (2001). True and Fairview-An Islamic Perspective, thesis submitted for degree of PhD, University of Surrey.

Emerging market centers (2014). World Islamic Banking Competitiveness Report 2013-14, available at: <http://emergingmarkets.ey.com/world-islamic-banking-competitiveness-report-2013-14/>

Financial Accounting Standard (FAS) No. 1, (2010), "General Presentation and Disclosure in the Financial Statements of Islamic Banks and Financial Institutions". Available at: www.aaofii.com

Financial Accounting Standard (FAS) No. 3, (2010). "Mudaraba Financing". Available at: www.aaofii.com

Financial Accounting Standard (FAS) No. 4, (2010). "Musharaka Financing". Available at: www.aaofii.com

Financial Accounting Standard (FAS) No. 9, (2010). "Zakat". Available at: www.aaofii.com

Haniffa, R. and Hudaib, M. (2007). "Locating Audit Expectations Gap within a Cultural Context: The Case of Saudi Arabia". *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 16 (2): 179-206.

Ibrahim, S.H.B.M. (2000). "The Need for Islamic Accounting: Perceptions of Its Objectives and Characteristics by Malaysian Muslim Accountants and Accounting Academics". Ph.D. Thesis, University of Dundee, Dundee.

International Accounting Standards Board. (2010). Conceptual framework, available at: www.ifrs.org

Karim, R.A.A. (2001). International Accounting Harmonization, Banking Regulation, and Islamic Banks. *The International Journal of Accounting*, 36 (2): 169-193.

Karim, R.A.A. (1995). "The Nature and Rationale of a Conceptual Framework for Financial Reporting by Islamic Banks". *Accounting and Business Research*, 100: 285-300.

Murtuza, A. (2002). "Islamic Antecedents for Financial Accountability". *International Journal of Islamic Financial Services*, 4 (1): 1-19.

Napier, C. (2009). "Defining Islamic Accounting: Current Issues, Past Roots". *Accounting History*, 14 (1-2): 121-144.

Qaradawi, Y. (1995). "The Role of Values and Ethics in Islamic Economy (In Arabic)". Cairo, Egypt: Dar Wahba.